



دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

حقوق امنیت جسمانی و روانی حیوانات در جامعه اسلامی از منظر قرآن و روایات

سیدحسام‌الدین رفیعی طباطبایی^{۱*}، مطهره‌سادات رفیعی طباطبایی^۲، فاطمه نرگسی^۳

۱. دکتری، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۳. کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

در مجموعه خلقت، همواره معضل نقض حق امنیت توسط برخی از بندگان وجود داشته است. امروزه نسل بشر به نوعی سایر مخلوقات را تحت تسلط خود دارد و همان‌گونه که در بسیاری از موارد حقوق هم‌نوعان خود را نقض می‌کنند، به حقوق سایر مخلوقات که در تماس با ایشان هستند نیز پایبند نمی‌باشند. نقض حق امنیت راه، می‌توان از رایج‌ترین مصادیق نقض حقوق سایر مخلوقات توسط انسان دانست. از منظر قرآن و روایات حیوانات نیز مانند انسان دارای حقوق گوناگونی هستند، از جمله حق امنیت که آن را می‌توان هم ناظر بر تمامیت فیزیکی ایشان دانست و هم ناظر بر جنبه روانی ایشان و از آنجا که پرداختن به هرگونه آسیب وارده به ابعاد جسمی و روانی جانداران، از ریزینی‌ها و دقت نظر دین مبین اسلام می‌باشد، لذا پژوهش پیرامون حق امنیت جسمی و روانی و افزایش آگاهی نسبت به آن راه، می‌توان نوعی اقدام آگاهی‌افزا و حتی پیشگیرانه مشترک در میان حوزه‌های حقوق، جامعه‌شناسی و قرآن و حدیث دانست، چراکه چنین پژوهشی، می‌تواند هم از حق کثی و آسیب‌های اجتماعی و هم از عدم رعایت موازین دینی نسبت به جانداران پیشگیری نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۵۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۷۷۵-۰۳۳۹-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۳۸۵۳۱۳۱۳۳

ایمیل: rafiee.hesam@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حق امنیت، امنیت جسمانی، امنیت روانی، آزار جسمی و روحی، حقوق حیوانات، حدیث.



مقدمه

حیوانات می‌باشیم که این خود نوعی اقدام پیشگیرانه، در حوزه‌های حقوقی، اجتماعی و دینی است.

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش براساس منابع کتابخانه‌ای الکترونیکی و غیرالکترونیکی، مشتمل بر مقالات و کتب مرتبط با موضوع است. در بدنه اصلی مقاله به بررسی حق امنیت حیوانات، از منظر جسمی و روانی، تحت عناوین ممنوعیت کتک‌زدن، ممنوعیت ارتکاب اعمال دردناک، حتی به ظاهر کوچک، ممنوعیت جنگ‌انداختن، ممنوعیت مسابقات انسانی منافی حقوق، ممنوعیت عقیم‌سازی و برخورداری از حق تولید مثل، ممنوعیت مُثله‌کردن و نقص عضو، ممنوعیت سوزاندن و داغ‌کردن، برخورداری از حق احترام در تمام ابعاد، ممنوعیت ممانعت از خواب و استراحت و ممنوعیت تخریب سرپناه، در پرتو منابع اسلامی می‌پردازیم.

۱- حق امنیت جسمانی و ممنوعیت آزار جسمی

از مبانی فقهی مربوط به حقوق حیوانات (کتاب، سنت، عقل و بنای عقلا) به‌دست می‌آید که هر عملی اعم از فعل یا ترک فعل، چنانچه موجب آزار حیوان بشود و باعث رنج جسمی یا روحی وی باشد، جایز نبوده و ارتکاب آن برای شخص مرتکب ضمان در پی خواهد داشت، از جمله نمونه‌های بارز ترک فعل موجب ضمان، می‌توان به ترک انفاق نسبت به حیوان مملوک اشاره کرد (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۶۲-۵۳)، لیکن افعال منتهی به ضمان در مورد حیوانات، مصادیق بیشتری نسبت به ترک فعل دارند. در اینجا به نمونه‌های مرتبط با نقض حق امنیت جسمانی در قالب آزار جسمی اشاره خواهیم کرد.

۱-۱- ممنوعیت کتک‌زدن حیوانات

در سنت معصومین (ع) و در سیره عقلا، چنانچه در روایات و متون فقهی موجود است، کتک‌زدن حیوانات با هر وسیله‌ای اعم از شلاق، چوب دستی، سنگ و یا هر ابزار و ماده‌ای که انسان بتواند از آن برای تنبیه ایشان استفاده کند، به شدت و فراوان مورد سرزنش بوده و حتی در برخی مواقع، شخص مرتکب مورد خشم و عذاب واقع شده است.

ابراهیم بن علی بن الحسین (ع) نقل می‌کند: «با پدرم امام سجاد (ع) به سفر حج رفته بودم؛ در راه شتر پدرم کمی سستی و کندگی نشان داد. در این هنگام پدرم چوب‌دستی خود را بلند کردند و نشان حیوان دادند و فرمودند: اگر ترس از قصاص الهی نبود تو را تنبیه

از جمله مهم‌ترین حقوق جانداران، حق امنیت می‌باشد. مؤلفه مذکور را می‌بایست شامل امنیت مادی و غیرمادی دانست. امنیت مادی، چنانکه از نامش پیداست، ناظر بر ایمنی بعد ملموس پدیده‌ای می‌باشد، اعم از ایمنی جسم یک فرد و یا ایمنی اشیایی که متعلق به اوست. امنیت غیرمادی نیز ناظر بر ایمنی جنبه غیرملموس و معنوی می‌باشد. نظیر ایمنی روح و روان یک فرد، یا حفظ احترام وی.

حیوانات نیز مانند نسل بشر از حق امنیت برخوردار بوده و رعایت آن نسبت به ایشان، نه تنها مورد تردید نیست، بلکه مطابق مستندات اسلامی، همانند انسان‌ها، از مصادیق مربوط به این حق برخوردار می‌باشند و رعایت آن بر هر انسانی لازم بوده و در صورت نقض این مهم، مسؤولیت و کیفر در انتظار انسان است.

لکن از آنجا که حیوانات امکان تملک اشیاء را همانند نوع انسان دارا نیستند، برخورداری از امنیت مادی در مورد ایشان، نسبت به ایمنی اشیاء متعلق به آن‌ها صدق نمی‌کند، اما از حق امنیت جسمانی درست مشابه نسل انسان برخوردار بوده و هر اقدامی جهت نقض ایمنی جسمی ایشان مطابق موازین اسلامی ممنوع است، به‌علاوه از حق امنیت روانی نیز نظیر هر انسانی برخوردار می‌باشند که در مطالب پیش رو به مصادیق هر یک اشاره خواهد شد.

لذا در مقاله حاضر بر آن هستیم که بر چه اساسی باید به چنین امری در قبال حیوانات پایبند بود و گستره برخورداری حیوانات از حق مذکور تا چه میزان است. آیا به‌صورت کلی در مستندات مربوط به تحقیق به این دو مؤلفه پرداخته شده یا به‌طور جزئی و دقیق می‌توان آن را اثبات نمود. همچنین آیا رعایت این حقوق نسبت به نوع و گونه خاصی از حیوانات با شرایطی خاص لازم است و یا تمام ایشان.

شایان ذکر است علاوه بر هدف پژوهشی، مقاله پیش رو دارای هدفی پیشگیرانه می‌باشد، چراکه در صورت افزایش آگاهی و روشن کردن حقیقت مطلب، می‌توان از ارتکاب اعمال ناقض حقوق مورد مطالعه تا حدی پیشگیری نمود که این مهم از رسالت‌های علوم اسلامی می‌باشد و به موازات عدم انجام چنین اعمالی، شاهد کاهش ایراد صدمات جسمی و روانی نسبت به

دور نمانده است، به طوری که در حدیث آمده است: «بهتر است کسی که شیر حیوانی را می‌دوشد، ناخن‌های خود را بگیرد تا حیوان اذیت نشود» (پورمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲). ذکر مصادیق فوق به روشنی نشانگر توجه مقررات اسلامی به امنیت جسمی حیوانات، حتی در کوچک‌ترین سطح است.

۱-۳- جواز زدن حیوانات در موارد خاص

در برخی موارد خاص به صورت استثناء، زدن حیوان در هنگام استفاده از آن جایز شمرده شده است، لیکن بنابر اغلب روایات، در مورد مواقع جواز مذکور، می‌توان قائل به تفکیک شد.

در برخی از روایات، زدن حیوانات در «موقع نافرمانی و امتناع از راه رفتن» جایز شمرده شده است. به طور مثال در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که ایشان به نقل از رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «حیوانات را در هنگام نافرمانی و خودداری از راه رفتن بزنی، نه در هنگام لغزیدن پای ایشان.»

در مقابل روایاتی با مضمون فوق، با برخی روایات مواجه هستیم که عکس قضیه را بیان می‌دارند و قائل به جواز زدن حیوان در «موقع لغزش» هستند و انسان را از زدن حیوان در موقع نافرمانی نهی می‌کنند.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است: «حیوانات را بر لغزش بزنی، اما برای خودداری از راه رفتن بزنی، زیرا آن‌ها چیزهایی را می‌بینند که موجب حیرت و توقفشان می‌شود و شما نمی‌بینید» (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۷).

به طور مثال در برخی روایات اشاره شده که حیوانات صدای عذاب جهنمیان را می‌شنوند و همین نکته باعث توقف ناگهانی ایشان از حرکت می‌شود (مقیمی حاجی، ۱۳۸۵: ۱۸۶) و یا در علوم تجربی این نکته مورد توجه است که حیوانات، حوادث گوناگون در عالم طبیعت را پیش از سایر جانداران حس می‌کنند و شاید این امر را نیز بتوان دلیلی بر اختلال در حرکات دانست.

از حیث پذیرش معیار، در مورد مواقع جواز زدن حیوانات، اختلاف نظر وجود دارد، لیکن واضح است وجود چنین جوازی تنها به صورت استثناء مورد پذیرش است و این امر به صورت مطلق قبحی که در سایر روایات وجود دارد را از بین نمی‌برد، لذا در مجموع بهتر است که در مواقع بروز هریک از حالت‌های مذکور نیز از زدن حیوانات خودداری شود، درست همان گونه که در

می‌گردد، سپس دست مبارک خود را پایین آورده و چوب دستی را از جلوی چشم حیوان دور کردند» (مقیمی حاجی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

عبدالله بن جعفر نقل می‌کند: «حضرت رسول (ص) به خانه یکی از انصار وارد شدند. شتری را مضطرب دیدند. حضرت نزد شتر رفتند و بر کوهانش دست کشیدند تا آرام گرفت، سپس با ناراحتی فرمودند: صاحب این حیوان کیست؟ جوانی نزد حضرت آمد و عرضه داشت که صاحب آن است. حضرت فرمودند: آیا از خداوند درباره این حیوان زبان بسته بیم و ترسی نداری؟ خداوند تو را مالک و پناه وی قرار داده است. سیرش که نمی‌کنی، کتکش هم می‌زنی؟» (پورمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰).

روزی امام صادق (ع) در جمعی فرمودند: «شخص مؤمن به بالای صاعقه آسمانی گرفتار نمی‌شود. مردی به ایشان گفت: ما دیدیم در مسجدالحرام بر سر فلان شخص در حین نماز صاعقه‌ای اصابت کرد! حضرت فرمودند: زیرا آن مرد کبوتران مسجدالحرام را هدف سنگ پرانی خود قرار می‌داد و ایشان را مجروح می‌کرد» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۸۳).

۱-۲- ممنوعیت ارتکاب اعمال دردناک به ظاهر کوچک

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «خداوند لعنت کند شخصی را که یال اسبی را بکشد و باعث کنده شدن آن گردد.» در حدیث دیگری نیز می‌فرماید: «یال اسب را نچینید، زیرا این حیوان به وسیله یال خود گرم می‌شود» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۲).

از احادیث فوق این گونه برداشت می‌شود که در آیین اسلام، نه تنها ارتکاب اعمال بسیار دردناک نظیر کتک زدن و شکنجه کردن حیوانات، ممنوع به شمار می‌آیند و برای چنین اعمالی مسؤولیت - اعم از اخروی و دنیوی - پیش‌بینی شده است، بلکه حتی انجام اعمالی که به ظاهر از نظر انسان، ساده و بی‌اهمیت می‌باشند، هرچند دارای دردی ناچیز، ممنوع بوده و ارتکاب آن از ناحیه معصومین (ع) و عقلا مورد نکوهش واقع شده است، چه بسا در احادیث مذکور کشیدن یال اسب باعث ایجاد دردی ولو اندک، برای اسب می‌شود. همچنین چیدن یال وی باعث تحمل رنج سرما توسط حیوان می‌شود که ممکن است در نگاه عوام مسأله‌ای عادی تلقی شود.

نهی از آزار جسمی حیوانات در احکام اسلامی بسیار دقیق است و حتی کوچک‌ترین مصادیق ایجاد درد برای حیوانات از نظر

سنت فعلی معصوم (ع) نیز مشاهده شد (مقیمی حاجی، ۱۳۸۵: ۱۸۴). همچنین در فرض جواز زدن حیوان نباید حرمت او را شکست و همواره می‌بایست از زدن به صورت حیوان پرهیز شود، زیرا در روایات گوناگون، حرمت هر موجود صاحب روحی نظیر انسان و حیوان، در صورت وی دانسته شده، لذا بنابر رعایت اختصار و پرهیز از تکرار روایات، در مطالب آتی به روایات مرتبط با منع زدن به صورت حیوان و حرمت آن اشاره خواهد شد.

بنابر آنچه بیان شد، چنین جوازی را تنها می‌توان ناظر به حیوانات مملوک و تحت تصرف انسان (اهلی) دانست، زیرا پذیرش این امر در مورد حیوانات آزاد در طبیعت (وحشی)، منوط به بهره‌برداری انسان از ایشان است، لذا از آنجایی که چنین حیواناتی موضوع بهره‌برداری انسان در امور روزمره نمی‌باشند، پذیرش جواز مذکور نسبت به دسته اخیر از حیوانات مردود به نظر می‌رسد (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۸).

۱-۴- ممنوعیت جنگ‌انداختن میان حیوانات

یکی از تفریحات رایج بشر از دیرباز تاکنون، جنگ‌انداختن میان حیوانات مختلف نظیر سگ، خروس، شتر، قوچ، گاو و ... است. علاوه بر حیوانات اهلی و مملوک انسان، نسل بشر گاهی نیز، اقدام به اسیرکردن حیوانات آزاد و وحشی کرده و به قصد سرگرمی و ایجاد هیجان روحی برای خود، میان ایشان ایجاد درگیری می‌نمایند، مانند ایجاد جنگ میان خرس و ببر و حیواناتی از این قبیل.

در فضای مجازی و رسانه‌های امروزی، حتی گاهی مشاهده می‌شود حیواناتی که به وسیله انسان وادار به جنگ می‌شوند، هر دو دارای یک خو نیستند. به عبارت دیگر هر دو اهلی و یا وحشی نیستند، بلکه حیوانی اهلی وادار به جنگ با حیوانی وحشی می‌شود، مانند جنگ‌انداختن میان سگ اهلی و دست‌آموز با حیوانات آزاد و وحشی نظیر خرس. همچنین گاهی انسان‌ها از جنگ میان دو حیوان بی‌نصیب نمانده و از این طریق اقدام به کسب منافع گوناگون می‌نمایند و متأسفانه در جوامع امروزی نیز، از جمله کشورمان، چنین اقداماتی بنابر دلایل گوناگونی از قبیل ضعف فرهنگی برخی اقشار، ضعف اقتصادی و نیز ضعف قانونگذاری، همچنان رایج است، لیکن در قوانین شرع مقدس اسلام همواره از این عمل نهی شده و به صراحت حکم به ممنوعیت آن در تمام ابعاد شده است. به عبارت دیگر این

ممنوعیت و لزوم پرهیز از چنین اقداماتی مانند سایر حقوق حیوانات و ممنوعیت‌های موجود به جهت حفظ حقوق ایشان، در مورد تمام حیوانات اعم از حیوانات تحت تصرف و ملکیت انسان (اهلی) و حیوانات آزاد (وحشی)، برای انسان وجود دارد و نیز تنها مربوط به گونه خاصی از جانوران نظیر پستانداران نمی‌باشد، بلکه تمامی حیوانات اهلی مملوک و حیوانات وحشی آزاد در طبیعت در تمام انواع، اعم از پستانداران، پرندگان، خزندگان، آبزبان، حشرات و ... مشمول ممنوعیت‌های موجود در راستای حمایت از حقوق گوناگون حیوانات می‌باشند و عبور از چنین ممنوعیت‌هایی توسط انسان از آنجا که به نقض حقوق حیوانات از قبیل امنیت جسمی و روحی منتج می‌شود، برای مرتکبین مسؤولیت در پی خواهد داشت. بنابراین با وحدت ملاک می‌توان گفت جنگ‌انداختن میان پرندگان وحشی نظیر عقاب، شاهین، قرقی و ... نیز از جهت شرعی ممنوع و حرام است. همچنین کنار هم قراردادن دو ماهی متفاوت در آکواریوم و حوضچه نیز اگر با علم به تفاوت خوی ایشان باشد و منتهی به درگیری دو حیوان آبی گردد، ممنوع است، مانند نگهداری دو ماهی گوشت‌خوار و گیاه‌خوار در کنار هم و نیز این حکم حتی نسبت به کوچک‌ترین حیوانات نظیر حشرات هم می‌بایست رعایت شود. به طور مثال جنگ‌انداختن میان دو مورچه به جهت گازگرفتن یکدیگر ممنوع و حرام است (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۹).

عبدالله بن نافع به نقل از رسول گرامی اسلام (ص) می‌گوید: «ایشان فرمودند حرام است که خروس‌ها را به جان هم بیندازید» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۵۳).

ابوعباس می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره به جنگ‌انداختن حیوانات سؤال کردم. امام در پاسخ فرمودند: این عمل در همه موارد مکروه است مگر در میان سگ‌ها.»

نکته حائز اهمیت در روایت فوق این است که مراد از جایز شمرده شدن این عمل در مورد سگ‌ها، انداختن این حیوانات به جان یکدیگر نیست، بلکه منظور تمرین دادن ایشان برای صید و شکار است (مقیمی حاجی، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۸۸). همچنین در برخی مواقع آمادگی این حیوانات جهت دفاع از اموال انسان، چنین ایجاب می‌کند، نظیر سگ نگهبان، لذا در مورد سگ گله نیز با وحدت ملاک می‌توان همین نکته را پذیرفت، زیرا وی علاوه بر اینکه نگهبان جان حیوانات گله است (اعم از اینکه گله

می‌شوند و عامل سوم نیز اشخاصی هستند که درگیری حول محور ایشان ایجاد می‌شود.

لیکن نوع دیگری از این رقابت‌های نامشروع نیز وجود دارند که دو عامل تشکیل‌دهنده آن انسان و عامل سوم که رقابت حول محور آن ایجاد می‌شود، حیوان است. به عبارت دیگر در این گونه رقابت‌ها دو انسان با یکدیگر حول محور حیوانی به رقابت می‌پردازند (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۹۱).

در دوران جاهلیت در میان اعراب، افرادی در کشتن شترهای خویش، با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند و هرکس که تعداد بیشتری را می‌کشت، پیروز میدان قلمداد می‌شد. این مسابقه را «معاقره» می‌خواندند. در فرهنگ لغات عرب، «عقر» به معنای قطع کردن پای حیوان است، لذا وجه تسمیه چنین رقابتی را می‌توان در این دانست که دو حریف در ابتدا یکی از چهار پای حیوان را با ضربه شمشیر قطع می‌کردند و هنگامی که حیوان به زمین می‌افتاد، نحرش^۲ می‌کردند (عمید، ۱۳۸۱: ۱۲۰۲). قطع کردن پای حیوان پیش از کشتن یکی از شرایط این مسابقات بوده است که این خود مصداق بارز زجر کشیدن حیوان پیش از قربانی شدن است. ریشه روانی چنین اعمالی در میان اعراب جاهلی خودخواهی، ریا، میل پیروزی و فخر فروشی بر سایرین معرفی شده است. مسابقه‌دهندگان پس از ارتکاب چنین جنایتی، گوشت حیوانات کشته شده را به صورت کاملاً رایگان در اختیار مردم قرار می‌دادند تا به واسطه این بخشندگی نمادین، جنایت خود را نوعی انفاق جلوه دهند و عمل ارتكابی خود را تطهیر نمایند. نبی مکرم اسلام (ص)، انجام چنین مسابقاتی را حرام اعلام کرده و بنابر نقض آشکار حقوق حیوانات و ترویج فساد در جامعه، مردم را از چنین اعمالی منع فرمودند (فلسفی، ۱۳۹۷: ۲۰۱).

در مورد انجام معاقره، به دلیل عدم رعایت شرایط ذبح شرعی، نظیر درد کشیدن پیش از قربانی شدن، چنین عملی را نمی‌توان مصداق ذبح و قربانی کردن به شمار آورد، لیکن مسابقه‌دهندگان بنابر نقض حق امنیت جسمی حیوان و نیز به طریق اولی به دلیل نقض حق حیات حیوان، دارای مسؤولیت بوده و سزاوار کیفر می‌باشند.

متشکل از پستانداران باشد، نظیر گوسفند، گاو، بز، شتر و ... و یا هرگونه جانوری دیگر، نظیر شترمرغ که از گونه پرنده‌گان است)، نگهبان مال صاحب گله نیز می‌باشد و به عبارت دیگر حافظ حق امنیت هم‌نوعان خود و نیز حق مالکیت صاحب خود است.

بنابراین چنانچه صاحبان سگ‌ها، آن‌ها را به قصدی غیر از تمرین دادن برای شکار یا دفاع، مانند سرگرمی و یا کسب درآمد، وادار به مبارزه نمایند، براساس احادیث، عمل ایشان حرام بوده و مستوجب ضمان است، زیرا که در روایات مربوطه اصل بر حرمت چنین عملی است و نکات مذکور درباره سگ‌ها به عنوان استثناء مورد قبول می‌باشند.

نکته دیگر اینکه، اگرچه در روایت نخست در بیان حکم عمل از عبارت «حرام» و در روایت دوم از عبارت «مکروه» استفاده شده است، لیکن در عرف روایات کراهت اعم از حرمت می‌باشد (کلینی، بی تا: ۵۵۴-۵۵۳) و می‌توانیم به جهت بیهوده بودن عمل مذکور در روایت دوم (جنگ انداختن میان حیوانات به جز سگ‌ها برای تمرین شکار و دفاع)، به دلیل ضروری که به حیوان می‌رساند، برای روایت مذکور نیز قائل به حرمت شویم.

در نتیجه می‌توان گفت ممنوعیت جنگ انداختن میان حیوانات نیز شامل تمام حیوانات مملوک آدمی (اهلی) و آزاد (وحشی) در هرگونه و انواعی می‌شود و پذیرش استثناء در مورد سگ‌ها، منوط به قصد و نیت انسان می‌باشد^۱ (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۱) و چنانچه شخص از مبارزه به جای نیت خیر، دارای نیتی سوء باشد، تحقق استثناء نیز منتفی بوده و به اصل ممنوعیت و حرمت آن رجوع شده و از ارتکاب عمل منع می‌شود و در صورت سرپیچی از حکم شرع مستحق مجازات می‌باشد.

۵-۱- ممنوعیت مسابقات انسانی منافی حقوق حیوانات

در بحث از ممنوعیت جنگ انداختن میان حیوانات توسط انسان، مشاهده شد که گاهی انسان دو یا چند حیوان را با مقاصد سوء، از قبیل سودجویی و تفریح، به درگیری با یکدیگر وادار کرده و به عبارت دیگر حیوانات را در رقابتی نامشروع بنابر امیال پوچ خویش، به عنوان حریف یکدیگر قرار می‌دهد. می‌توان در چنین وقایعی سه عامل را برای ایجاد جنگ و درگیری که از نگاه مرتکب، نوعی رقابت و مسابقه می‌باشد، در نظر گرفت؛ به تعبیر دیگر دو عامل همان حیواناتی هستند که با یکدیگر درگیر

^۱ - «قال رسولُ الله صلواتُ الله عليه و آله: الأعمالُ پالئيات.»

^۲ - گلوبردن، کشتن، قربانی کردن.

با گذر زمان چهره ناپسندی در اذهان عمومی پیدا کرده است، هرچند این عدم اقبال عمومی به‌ویژه در جوامع شهرنشین، در افکار اکثریت افراد، دارای مبنای اصیل حقوقی و دینی و به دلیل اطلاع از مستندات گوناگون حقوق حیوانات یا آگاهی از اقسام حقوق نیست و صرفاً بر مبنای احساسات و عواطف انسانی است، لیکن از آنجایی که کشتار حیوانات باعث جریحه‌دار شدن احساسات عموم افراد جامعه می‌شود، ارتکاب این عمل در اذهان عمومی جایگاه خود را از دست داده و دستگاه‌های مربوطه در حوزه شهری نیز بنا بر جریحه‌دار شدن احساسات مردمی و جلوگیری از ایجاد تشویش و ناراضی‌تبی، تا حدودی از ارتکاب چنین رفتاری پرهیز می‌نمایند.

لذا عقیم‌سازی حیوانات به‌عنوان راهی جایگزین، در شرایط فعلی جوامع، رواج بیشتری پیدا کرده است. تا جایی که بسیاری از افراد و جمعیت‌های علاقمند به حیوانات، نظیر دام‌پزشکان و کلینیک‌های دام‌پزشکی، به‌جهت جلوگیری از کشتار ایشان، حتی آمادگی خود را برای عقیم‌سازی حیوانات به‌صورت رایگان به دستگاه‌های مربوطه اعلام نموده‌اند (روزنامه کرمان، ۱۳۹۳: ۸).

در روایاتی از معصومین (ع)، از عقیم‌سازی حیوانات و از بین‌بردن توان جنسی ایشان نهی شده است و بر مبنای همین سنت قولی، می‌توان به پذیرش حق تولید مثل برای حیوانات پی برد. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان امام باقر (ع)، نقل کرده‌اند: «ایشان کراهت داشتند از اینکه حیوانات عقیم شوند» (حر عاملی، بی‌تا: ۵۲۲).

همچنین عبدالله بن نافع در ضمن حدیثی از حضرت رسول (ص)، نقل می‌کند: «ایشان از عقیم‌کردن اسب، گوسفند و خروس نهی فرمودند» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۵۲).

ممنوعیت عقیم‌سازی حیوانات و پذیرش حق تولید مثل برای ایشان، تنها منحصر به این حیوانات نبوده و روایات مذکور دارای جنبه تمثیلی می‌باشند، لذا این حق را نیز مانند سایر حقوق، برای تمامی حیوانات اعم از مملوک (اهلی) و آزاد (وحشی) در تمام انواع و گونه‌ها، می‌توان به رسمیت شناخت و از آنجایی که عقیم‌سازی حیوانات مصداق بارز نقض حقی از حیوانات به‌نام حق تولید مثل و به طریق اولی مصداق آزار جسمی حیوانات و نقض حق امنیت جسمانی ایشان می‌باشد،

ایجاد ممنوعیت در ایراد آسیب به حیوانات و جنایت بر ایشان به‌معنای محدودیت انسان‌ها در بهره‌برداری تفریحی و عدم انجام مسابقات با ایشان نیست، بلکه در مقررات شرعی تفریح و مسابقه با حیوانات نیز به‌عنوان نوعی بهره‌برداری مشروع پیش‌بینی شده است، نظیر جواز سوارکاری با اسب و شتر، اعم از سواری انفرادی به قصد تفریح و یا انجام مسابقات جمعی مانند اسب‌دوانی و چوگان.

در روایتی آمده است که روزی پیامبر (ص)، از مسیری عبور می‌کردند و گذرشان بر جماعتی افتاد که مرغ زنده‌ای را درحالی که به جایی بسته بودند، در رقابت با هم مورد هدف تیرهای خود قرار می‌دادند، سپس آن حضرت خطاب به اصحاب فرمودند: «این جماعت چه کسانی هستند؟ لعنت خداوند بر تمامی ایشان باد» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۹۸).

چنانکه از ظاهر مطالب آشکار است، در پذیرش ممنوعیت چنین مسابقاتی نسبت به حیوانات اهلی تحت تصرف انسان تردیدی نیست، لیکن بنا بر رعایت حق حیات حیوانات در وهله اول و نیز رعایت حق امنیت جسمی و روحی ایشان و براساس روایات موجود در رابطه با حقوق حیوانات، می‌توان ممنوعیت چنین مسابقاتی را در مورد حیوانات آزاد نیز پذیرفت. مانند اینکه دو نفر در طبیعت، به قصد رقابت با یکدیگر و فخرفروشی، حیوانی را با گلوله‌های خود مجروح نمایند و باعث هلاکت وی شوند، لذا انجام چنین مسابقاتی بر سر تمامی حیوانات اعم از اهلی و وحشی و نیز تمام گونه‌ها و انواع ایشان، ممنوع است و بنا بر حرمت ارتکاب چنین اعمالی، مرتکب دارای مسؤولیت است.

۱-۶- ممنوعیت عقیم‌سازی و برخورداری از حق تولید مثل
در گذشته صاحبان دام و طیور، عقیم‌کردن حیوانات خود را سبب رشد بیشتر و نیز باعث ایجاد آرامش در حیوانات می‌دانستند، لذا نسبت به عقیم‌سازی و از بین‌بردن توان جنسی حیوانات اقدام می‌نمودند. همچنین امروزه نیز با توسعه شهرنشینی و افزایش تصرفات انسانی در اراضی گوناگون، برخی انسان‌ها رشد جمعیتی حیوانات در قلمرو زندگی و فعالیت‌های خود را برابر با ایجاد پاره‌ای مزاحمت‌ها و اختلال در رویه بهره‌برداری خود از امکانات زندگی می‌دانند و در راستای تسهیل منافع خود اقدام به اعمالی به‌عنوان راهکار می‌نمایند، از قبیل کشتار و عقیم‌سازی حیوانات با هدف ممانعت از تکثیر تعدادشان در حیطه زندگی و فعالیت خود، لیکن کشتار حیوانات

نسبی به‌شمار آورد، نه مطلق. به این معنا که تا رسیدن زمان مطلوب و تحقق شرایط، به نسبت تعداد پناهگاه‌ها از عقیم‌سازی خودداری شود و حیوانات در حوزه‌های خاص، در صورت ایجاد آزار و ضرر تحت پوشش پناهگاه‌های موجود درآمده و جمعیت مازاد بر توان پناهگاه‌ها نیز در صورت ایجاد آزار و ضرر برای انسان‌ها، با رعایت کیفیات لازم عقیم‌سازی شوند.

در پذیرش و صحت جایگزینی عقیم‌سازی به جای کشتار حیوانات می‌توان به قواعد فقهی نظیر «قاعده لاضرر»، «قاعده دفع افسد به فاسد»، «قاعده تقدم اهم بر مهم» و «قاعده اضطرار» استناد کرد، زیرا که دین اسلام ورود ضرر به افراد را بدون توجیه شرعی و عقلی مانند اضطرار، مردود می‌داند. همچنین در مقابل، همین قاعده اضطرار را می‌توان در مورد حیوانات نیز پذیرفت، مانند اضطرار در تهیه لوازم ادامه حیات حیوان، اعم از اینکه حیوان مملوک باشد و صاحبش با استناد به قاعده اضطرار لوازم مصداق ضرورت را از راهی غیرمعمول تهیه کند، مانند غصب لوازم حیات حیوان (عبداللهی علی‌بیک، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۲) و یا اینکه حیوان آزاد باشد و بنابر نجات جان فرزند یا سیرکردن شکم خود حیوانی دیگر را شکار کرده و خود یا فرزندش را از خطر هلاکت نجات دهد که در این صورت نیز طبق قاعده اضطرار، حیوان مضطر بوده و به دلیل سلب حیات هم‌نوع خود، دارای مسؤولیت اخروی نمی‌باشد.

از سویی دیگر، اگرچه عقیم‌سازی حیوان عملی ناصحیح است، لیکن می‌توان با انجام آن از تحقق فساد بزرگ‌تر (افسد) که در اینجا مقصود همان ایجاد آزار است، جلوگیری کرد. همچنین این‌گونه نیز می‌توان گفت که دفع آزار و ضرر حیوان توسط انسان، امری مهم است، لیکن حفظ جان حیوان و احترام به حق حیات وی، مهم‌تر (اهم) از آن است، لذا عقیم‌سازی از آن جهت که موجب دفع فساد بزرگ‌تر (افسد)، یعنی آزار و ضرر انسان می‌شود و نیز باعث حفظ امر مهم‌تر (اهم)، یعنی حیات حیوان می‌شود، تا زمان وجود شرایط لازم برای جایگزینی کامل راه سوم، یعنی سپردن حیوانات موضوع بحث به پناهگاه‌ها، راهکار معقول و مشروعی به جای کشتار حیوانات در صورت ایجاد آزار و ضرر برای انسان‌ها می‌باشد و همانطور که از توضیحات فوق در مورد دفع ضرر از انسان (آزار حیوان برای انسان) و نیز دفع ضرر از حیوان (سلب حیات حیوان) پیداست، می‌توان به صحت پذیرش قاعده لاضرر نیز در این مورد پی برد

می‌توان به صحت حکم ممنوعیت آن پی برد. همچنین چنانچه پیش‌تر در مورد استعمال لفظ کراهت در عرف روایات اشاره شد، می‌توان کراهت را در اینجا نیز اعم از حرمت دانست و به جهت ضرری که ارتکاب چنین عملی به حیوانات و حق ایشان وارد می‌سازد، برای آن قائل به حرمت شد.

نکته قابل توجه این است که در مستندات گوناگونی که تا به حال مورد اشاره قرار گرفتند، ورود آزار از ناحیه حیوانات به انسان‌ها، به‌عنوان استثنائی در برخورد با حیوانات در نظر گرفته شده است. به‌طور مثال در روایتی از امام کاظم (ع) اشاره شده است که از کشتن مورچه، مشروط بر عدم رساندن آزار به انسان، نهی شده است (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۹۵). بنابراین با وحدت ملاک و با در نظر گرفتن جنبه تمثیلی روایت، چنین استثنائی را می‌توان در مورد سایر حیوانات، صرف‌نظر از انواع و گونه‌های مختلف ایشان، پذیرفت. به‌عبارتی، همان‌گونه که براساس روایات، قائل به پذیرش حقوق مختلف برای حیوانات می‌باشیم، براساس همان مستندات و معیارهای موجود در آن‌ها، می‌بایست استثنائات موجود را نیز در مورد تمامی حیوانات، اعم از اهلی و مملوک و نیز وحشی و آزاد، در تمامی گونه‌ها بپذیریم، لذا چنانچه حیوانات دارای ضرر و آزاری برای انسان باشند، می‌توان با ایشان برخورد کرد، البته باید توجه داشت که سلب حیات از حیوان و کشتار وی، تنها در مواقعی جایز است که هیچ راه دیگری برای دفع ضرر به وسیله انسان نباشد و در مورد عقیم‌سازی با توجه به اینکه با اعمال آن می‌توان از کشتار حیوان در فرض وجود ضرر پرهیز کرد، می‌توان آن را جایگزین مناسبی برای کشتار حیوانات دانست. بنابراین جواز عقیم‌سازی را نیز به طریق اولی می‌توان منوط به این دانست که با ازدیاد نسل حیوانی در موقعیتی خاص، آزار یا ضرری متوجه انسان شود و توسل به راه سومی برای پرهیز از آن ممکن نباشد، هرچند که عده‌ای نگهداری حیوانات در پناهگاه‌ها را در فرض وجود آزار و ضرر، از عقیم‌سازی بهتر می‌دانند، لیکن با توجه به نبود امکانات کافی جهت تحقق این امر، حداقل تا زمان فراهم‌شدن امکانات ضروری، نمی‌توان چنین راه‌حلی را دارای تأثیر کافی دانست و آن را با توجه به فوت وقت و هزینه بالا و سایر آثار ناشی از چنین معایبی، لااقل تا زمان مهیاشدن شرایط در سطحی بزرگ، به‌عنوان جایگزینی کامل برای راه دوم، یعنی عقیم‌سازی، به‌شمار آورد، لذا تا زمان تحقق شرایط لازم و توسعه پناهگاه‌های مربوطه، می‌توان این امر را به‌عنوان راه‌حلی

و آن را به طریق اولی یکی از مبانی شکل‌گیری خود قواعد دفع افسد به فاسد و تقدم اهم بر مهم دانست.^۱

۱-۷- ممنوعیت مثله‌کردن و نقص عضو

مثله‌کردن (به ضم حرف «میم» و فتح حرف «لام») در لغت در معانی عقوبت، شکنجه، بریدن گوش یا بینی یا لب و یا عضوی از تن کسی هنگام شکنجه‌کردن به کار می‌رود (عمید، ۱۳۸۱: ۱۰۸۹)، لیکن آنچه در اصطلاح حقوق حیوانات و به‌ویژه در مورد ممنوعیت شکنجه و آزار جسمی در راستای حمایت از حق امنیت جسمانی مدنظر است، هر نوع شکنجه و فعل دردناک توأم با جداکردن یا کندن عضو یا تکه‌ای از بدن حیوان و یا نقص عضو می‌باشد، لذا بنابر نقص حق امنیت جسمانی و به طریق اولی به مخاطره‌انداختن حیات ایشان، ارتکاب چنین اعمالی نیز در مورد تمام انواع و گونه‌های حیوانات اهلی و وحشی، ممنوع است و چنانکه اشاره شد، برای چنین موردی نیز می‌توان قائل به حرمت شد. منع این مسأله در روایات معصومین (ع) مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که در پاره‌ای از مستندات روایی، مرتکبین چنین اعمالی به صراحت مورد لعن معصومین (ع) واقع شده‌اند.

به‌عنوان مثال، رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «لعنت خداوند بر کسی که حیوانات را مثله کند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۴). در روایت دیگری نیز امیرالمؤمنین علی (ع) به نقل از حضرت رسول (ص) فرموده‌اند: «بر حذر باشید از مثله‌کردن حیوانات، حتی اگر سگ هار باشد» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۵۹).

همچنین در آیات قرآن و روایات از سوراخ‌کردن و شکافتن اعضای بدن حیوانات نهی شده است. به‌طور مثال در میان بسیاری از صاحبان حیوانات مرسوم بود که به جهت آراستن و زینت حیوان، اقدام به سوراخ‌کردن اعضای بدن وی نظیر گوش، لب، بینی، پوست گردن و پیشانی و ... می‌نمودند. قرآن کریم در آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء از این عمل به‌عنوان یکی از وعده‌های ابلیس به انسان یاد کرده که این نکته حکایت از قبح این عمل به‌عنوان اقدامی شیطانی دارد. در این آیه شریفه آمده است: «وَلَا صَلْبَهُمْ وَ لَأْمَتَهُمْ وَ لَأْمَتَهُمْ فَلَيَبْتَكُنَّ أَذَانَ الْأَعْنَامِ وَ لَأْمَرْتَهُمْ فَلَيَغَيِّرُوْنَ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ

فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا؛ و آنان را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که اعمال خرافی انجام دهند و گوش حیوانات را بشکافند و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند» (نساء/۱۱۹).

امیرالمؤمنین (ع) نیز در حدیثی در مقام نهی از آرایش این چنینی چهره حیوانات، از این قبیل اعمال نه‌تنها به‌عنوان زینت و زیبایی یاد نمی‌کنند، بلکه از آن به قبح و زشتی تعبیر می‌نمایند و - به این مضمون - می‌فرمایند: «صورت چهارپایان را زشت و بد ترکیب نپندارید و به بهانه زیباکردن، چهره ایشان را تقبیح نکنید» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

امام صادق (ع) در ضمن حدیثی، در مورد نقص عضو حیوان توسط انسان به‌عنوان تنبیه و شکنجه، به یکی از قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع) اشاره نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین (ع) شخصی را که چشم اسبی را کور کرد، به پرداخت یک‌چهارم قیمت آن اسب محکوم نمودند» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۴۴).

۱-۸- ممنوعیت سوزاندن و داغ‌کردن

از مجموع مطالبی که تاکنون پیرامون برخورداری حیوانات از حق امنیت جسمانی و ممنوعیت‌های موجود در جهت جلوگیری از نقض آن بیان شد، این‌گونه برداشت می‌شود که سوزاندن و داغ‌کردن حیوانات نیز مشمول همان حکم حرمت بوده و انجام آن‌ها جایز نمی‌باشد، لذا سوزاندن و آتش‌زدن حیوانات به هر قصدی، اعم از شکنجه، تنبیه، تفریح و کشتن ایشان و نیز داغ‌نهادن بر پیکر ایشان در مقررات شرع اسلام ممنوع است.

در روایتی به نقل از حضرت رسول (ص) این چنین آمده است: «ایشان از اینکه شخصی حیوانی را به هر نیتی با آتش بسوزاند نهی فرمودند» (ابن بابویه، بی‌تا: ۳؛ مجلسی، بی‌تا: ۲۴۴).

در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده است: «مردی در حال احرام روباهی را گرفته و به قصد تفریح آتشی را به‌صورت وی نزدیک می‌نمود و روباه از شدت وحشت و حرارتی که آتش بر جسم وی وارد می‌ساخت به شدت زوزه می‌کشید. آن مرد پس از تفریح خود، وی را رها نمود، لیکن درحالی‌که در خواب بود، ماری وارد دهان آن مرد شد و از شدت وحشت درحالی‌که جیغ می‌کشید، خود را نجس نمود. سپس مار از وی دور شد» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۵۵).

^۱ - برای مطالعه بیشتر ر.ک: (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۸۹-۶۳؛ علی‌آبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۳۲-۹).

جنسی خود را از این طریق رفع می‌کنند و این مسأله به کاهش ازدواج و کاهش نسل منتج خواهد شد. همچنین در بیان مبنای چنین جوازی در فرض اقدام انسان به این عمل شنیع، چنانکه در ضمن روایت مذکور به اقدام رسول خدا (ص) و نیز دستور مبنی بر آن اشاره شده است، می‌توانیم سنت فعلی و قولی را یکی از مبانی اصلی این امر قلمداد کنیم (طوسی، ۱۴۰۷: ۶۰/۱۰). بررسی ابعاد، احکام و آثار وطی با حیوانات مستلزم بررسی منابع فقهی گوناگون در ضمن پژوهشی مستقل است، لذا بنابر رعایت اختصار، به همین مقدار، به‌عنوان استثناء و به جهت تسهیل درک مطلب بسنده می‌کنیم.

در گذشته در میان صاحبان حیوانات، به‌ویژه صاحبان دام و حیوانات سواری، مرسوم بود که برای اثبات مالکیت خود و تسهیل پیدا کردن حیوان در هنگام مفقود شدن، به‌وسیله داغ‌گذاشتن بر نقاطی از جسم حیوان، وی را علامت‌گذاری می‌کردند. در اسلام بنابر رعایت حقوق حیوانات از انجام چنین عملی به‌ویژه بر روی صورت حیوان نهی شده است. چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی، هنگام برخورد با الاغی که صورتش جهت علامت‌گذاری داغ شده بود فرمودند: «لعنت خدا بر کسی که صورت این الاغ را داغ کرده است» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۳۴). در بیان علت این امر نیز معصومین (ع) به تسبیح و حمد خداوند یکتا توسط حیوانات اشاره نموده‌اند.

امام صادق (ع) در حدیثی به نقل از پدر گرامیشان امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «پیامبر خدا (ص) از علامت‌گذاری و نیز ضرب زدن در صورت چهارپایان و هر چیزی که دارای روح است، نهی فرمودند، زیرا آن‌ها نیز تسبیح می‌گویند و خدا را به جای می‌آورند.» این حدیث از امیرالمؤمنین (ع) نیز به همین شکل از قول رسول خدا (ص) نقل شده است؛ حدیث دیگری از امام صادق (ع) نیز موجود است که در آن ایشان به پذیرش شش حق برای حیوان بر صاحبش اشاره کرده‌اند که از جمله آن‌ها همین ممنوعیت اخیر است (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۰۳). همچنین امام باقر (ع) در حدیث دیگری می‌فرماید: «برای هر چیز حرمتی است و حرمت چهارپایان در صورتشان است» (عیاشی، ۱۳۸۱: ۲۹۴؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۵۸۳).

با این وجود در صورت نیاز به علامت‌گذاری، به‌صورت استثناء به جواز این عمل در سایر نقاط بدن غیر از صورت، به شرط سرسخت بودن و قوت آن نقاط اشاره شده است. چنانکه شیخ

تنها موردی که سوزاندن و به آتش کشیدن حیوان در آن جایز است هنگامی است که حیوانی توسط انسان مورد «وطی»^۱ (در اینجا به معنی آمیزش انسان با حیوان) واقع شده باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۲۱۰) که در این فرض علاوه بر اینکه مجازات دنیوی و اخروی برای مرتکب وجود دارد، حیوان نیز سوزانده می‌شود، البته نه به‌عنوان مجازات وی، لیکن نکته مهم در اینجاست که در چنین مواقعی، حیوان را به‌صورت زنده به آتش نمی‌کشند و به جهت پرهیز از کشتار بیهوده وی، توصیه شده است که ابتدا حیوان با رعایت ضوابط شرعی ذبح شود، سپس سوزانده شود که این امر نیز برای خود دارای دلیل و مصلحتی است.

مرحوم صاحب جواهر (ره) در مورد چنین حیوانی، به نقل حدیثی از امام باقر و امام صادق (ع) می‌پردازد که در آن ضمن بیان حکم مسأله به حکمت و فلسفه انجام چنین اقدامی اشاره شده است. در این حدیث آمده است: «اگر این حیوان مال خود آن شخص باشد، اول ذبح می‌شود و سپس سوزانده می‌شود و از گوشت و اعضای پیکر آن استفاده نمی‌شود و اگر حیوان متعلق به دیگری بود، قیمتش را از آن شخص اخذ می‌کنند و به صاحب حیوان می‌پردازند و سپس حیوان را ذبح کرده و پس از آن نیز وی را می‌سوزانند و از آن استفاده‌ای نمی‌کنند.» در ادامه این حدیث راوی می‌گوید: «سؤال کردم گناه حیوان در این‌باره چیست؟ و در پاسخ فرموده شده: حیوان گناهی ندارد، ولی شخص رسول الله (ص) در چنین موردی اقدام به این عمل کرده و به انجام آن دستور داده‌اند.» در ادامه به مصلحت انجام این عمل اشاره شده است که می‌توان آن را تداوم نظام اجتماعی انسان‌ها و بقای نسل ایشان، توأم با تنبیه مرتکبین چنین عملی دانست (ابن نعمان، ۱۴۱۰: ۷۸۹؛ نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ۲۸۵)، زیرا از آنجایی که شخص، محکوم و مکلف به از دست دادن مال خود (اعم از حیوان متعلق به خود یا پول خود برای حیوان متعلق به غیر) می‌باشد، این عمل نوعی ضمانت اجرای دنیوی در قالب پرداخت جریمه به‌شمار می‌رود. از منظر اخلاقی نیز می‌توان گفت معصومین (ع) در ضمن جریمه کردن شخص خاطی، قصد در جلوگیری از ترویج چنین اعمال ناشایستی دارند، زیرا در صورت عادت به ارتکاب چنین روایتی، برخی اشخاص نیاز

^۱ نزدیکی و مجامعت انسانی با انسان دیگر (مرد یا زن، در قبل یا دبر) یا با حیوان است. از آن با عناوینی مانند جماع، مواقعه، وطی، دخول، ایلاج، اتیان و مباشرت یاد شده است و احکام آن در بسیاری از ابواب مانند طهارت، صوم، اعتکاف، حج، نکاح، طلاق، ظهار، ایلاء و حدود آمده است.

۲- حق امنیت روانی و ممنوعیت آزار روحی

اکنون به بررسی مصادیق برخورداری حیوانات از حق امنیت روانی و ممنوعیت‌های اسلامی موجود در راستای حمایت از ایشان می‌پردازیم. از حیث دایره شمول حق امنیت روانی نیز در همین ابتدا می‌بایست گفت که رعایت تمامی مصادیق و ممنوعیت‌های موجود به تبع حق مذکور، در مورد تمامی حیوانات اعم از مملوک (اهلی) و آزاد در طبیعت (وحشی)، در تمام گونه‌ها صدق می‌کند و انسان مکلف به رعایت آن‌ها می‌باشد.

۲-۱- برخورداری از حق احترام در تمام ابعاد

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «خروس را دشنام ندهید، زیرا او شما را برای به جا آوردن نماز بیدار می‌کند. بانگ خروس نماز او و تکان دادن بال‌هایش در اوقات مقرر، رکوع و سجود او به‌شمار می‌رود و در وقت سحر با بانگ خود به انسان‌ها می‌گوید: ای غافلین، خدا را یاد کنید» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۸۲).

در روایتی - به این مضمون - آمده است: «زنی که شتر خود را در هنگامی که با وی در سفر بود، مورد لعن و نفرین قرار داده بود، خود نیز مورد لعن و نفرین الهی قرار گرفته و سزای عمل خود را دید» (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۷۳).

از امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره آمده است: «به‌صورت چهارپایان نزنید و آن‌ها را مورد لعن قرار ندهید، زیرا خدای متعال، شخصی را که حیوانات را نفرین و لعن کند، لعنت نموده است» (حلی، ۱۴۱۲: ۶۴).

نمونه‌های تمثیلی مذکور را می‌توان دلیل روشنی بر برخورداری حیوانات از احترام کلامی دانست. همچنین رعایت احترام حیوانات در گفتار توسط انسان، تنها محدود به ممنوعیت توهین و لعن ایشان نبوده و تا جایی مورد اهتمام است که پیامبر (ص) به اسبی که همراه شخصی بود نیز سلام نمودند و یا امام صادق (ع) در روایتی به دعا کردن برای حیوانات نیز اشاره کرده‌اند و به عبدالملک بن عمرو می‌فرمایند: «من برای شخص تو دعا می‌کنم و حتی نام چهارپایان تو را نیز در دعایم ذکر می‌کنم» و یا امام هادی (ع) در روایتی برای قوی شدن اسب ابوهاشم جعفری، به جهت طول مسافت پیموده‌شده برای زیارت ایشان، دعا نمودند. امام کاظم (ع) نیز در روایتی برای آسانی وضع حمل ماده شیری که زایمان سختی داشت، دعا فرمودند (ناجی جزایری، ۱۳۷۹: ۴۹)، لذا علاوه بر احترام زبانی، رعایت حق

طوسی می‌گوید: «بر قوی‌ترین و سخت‌ترین موضع بدن که عاری از پشم و مو باشد، داغ نهند تا ضرری به حیوان نرسد» و نیز امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال عبدالله بن سنان و یونس بن یعقوب در مورد علامت‌گذاری حیوانات می‌فرماید: «در صورت نیاز در غیر از صورت و بر گوش‌های حیوان علامت‌گذاری کنید» (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

با این وجود امروزه با توسعه تکنولوژی شیوه‌های بدون درد و مطمئن‌تری، جهت علامت‌گذاری و شناسایی حیوانات ابداع شده است، نظیر ثبت اطلاعات حیوانات در سامانه‌های مخصوص و یا استفاده از انواع ردیاب‌های الکترونیکی به‌صورت‌های گوناگون، از قبیل پلاک‌ها، تگ‌ها و حتی میکروچیپ‌های بسیار کوچک با قابلیت نصب از طریق سوزن در زیر سطح پوست حیوانات.

در پایان در مورد دایره شمول ممنوعیت‌های اخیر (سوزاندن و داغ کردن) می‌توان گفت که با وحدت ملاک از سایر مصادیق حق امنیت جسمانی و ممنوعیت مربوط به نقض هریک از این مصادیق، تمامی حیوانات مملوک (اهلی) و آزاد (وحشی) در تمام انواع و گونه‌ها، مشمول ممنوعیت‌های مذکور خواهند بود، لیکن با توجه به محدودیت روابط انسان با حیوانات وحشی و آزاد در طبیعت به نسبت حیوانات اهلی و مملوک، در عمل به‌صورت معمول شاهد علامت‌گذاری حیوانات وحشی نخواهیم بود، مگر در موارد خاص نظیر گونه‌های نادر تحت حفاظت ویژه یا در معرض انقراض، اما در مورد حیوانات اهلی و مملوک علامت‌گذاری به شیوه‌های سنتی و مدرن همچنان رایج است.

در نتیجه براساس مقررات اسلامی، انجام علامت‌گذاری در صورت حیوان را، چه به‌صورت سنتی، نظیر داغ کردن و چه به‌صورت مدرن، نظیر نصب سیستم‌های الکترونیکی، می‌توان ممنوع دانست و انجام آن در سایر نقاط بدن حیوان در صورت عدم ایجاد آزار برای وی جایز است. همچنین سوزاندن حیوان نیز به هر دلیلی اعم از تفریح، شکنجه و کشتن وی، چه حیوان متعلق به انسان باشد و چه آزاد باشد، ممنوع و موجب مسؤولیت مرتکب است، مانند اینکه شخصی حیوان متعلق به خود را مورد این اقدام واقع سازد یا حیوانی آزاد مورد این اقدام وی قرار گیرد و در اینکه چنین حیوان آزادی بسیار کوچک باشد، مثل ملخ یا کرم و ... یا بزرگ باشد، هیچ تفاوتی نیست.

احترام حیوانات در ضمن کردار و رفتار انسان‌ها نیز مورد تأکید و اهتمام است.

امام سجاد (ع) در هنگام شهادت در رابطه با شتر خویش، به فرزندشان امام باقر (ع) توصیه نمودند: «من با این شتر بیست‌بار به حج رفته‌ام و تاکنون او را یک تازیانه زده‌ام. او را پس از فوتش با احترام دفن کنید تا خوراک درندگان نشود». لذا امام باقر (ع) پس از فوت شتر، به وصیت پدرشان عمل کرده و حیوان را در حفره‌ای دفن نمودند (کلاتتری ارسنجانی، ۱۳۸۱: ۲۷۳).

مرحوم صاحب جواهر (ره) در ذیل احکام ذبح، بنابر حفظ احترام و توصیه به دوستی با حیوانات نوشته‌اند: «بهتر است انسان، حیوانی را که خود پرورش داده، سر نبرد». مشابه همین کلام از امام رضا و امام صادق (ع) نیز وجود دارد و ایشان بنابر احترام و دوستی با حیوان و نیز خدشه‌دار نکردن رابطه عاطفی که حیوان در گذر زمان با شخص برقرار کرده، توصیه می‌نمایند که اگر قصد از خرید حیوان تنها ذبح آن است، تنها در مواقع لزوم قربانی کردن، اقدام به خرید حیوان شود، نه اینکه حیوانی را بزرگ کرده و سپس قربانی نماییم. گستره این احترام در کردار تا حدی است که در مستندات گوناگون «حق میهمانی» نیز برای حیوانات مورد پذیرش قرار گرفته است و همان‌گونه که اگر انسانی به خانه دیگری وارد شود نسبت به او حق میهمانی پیدا می‌کند، این حق برای حیوانات نیز وجود دارد و اگر حیوانی به انسان و یا خانه وی پناه آورد یا در طی مسیر خود وارد آن شود، میهمان وی بوده و رعایت احترام حیوان بر انسان واجب می‌باشد و گفتار و رفتار وی نسبت به حیوان مذکور می‌بایست پسندیده و به دور از حالت منفی باشد (کلاتتری ارسنجانی، ۱۳۸۱: ۲۷۶-۲۷۴) و بهتر است که انسان در صورت وجود نیازی در چنین حیوانی، آن را در حد توان رفع نماید.

حقوق گوناگون حیوانات در تمام اقسام، مکمل یکدیگر بوده و تعارضی با هم ندارند، لذا در موارد بسیاری مشاهده می‌شود که یک مستند روایی ممکن است دارای چند جنبه باشد و در آن واحد دلالت بر دو یا چند حق بنماید و به صورت مشترک در حقوق گوناگونی مورد استناد واقع شود. بنابراین مستندات مربوط به سایر حقوق، نظیر مصادیق حق امنیت جسمی و ممنوعیت‌های موجود پیرامون نهي از آزار حیوانات، خود به نوعی بیانگر حق احترام حیوانات نیز می‌باشند. به‌طور مثال، منع مثله کردن، کتک زدن، داغ کردن و جنگ‌انداختن در عین حال

که متضمن حق امنیت جسمی می‌باشند، در راستای حق احترام ایشان نیز به‌شمار می‌روند.

بنابراین حیوانات نیز مانند انسان‌ها از حق احترام در تمام ابعاد حقوق خویش، چه در گفتار و چه در رفتار، برخوردار می‌باشند، لذا حق احترام را از آنجایی که متضمن پابندی به سایر حقوق است، در رأس حقوق روانی حیوانات مورد اشاره قرار دادیم.

۲-۲- ممنوعیت ممانعت از خواب و آسایش

در روایتی نقل شده است که پیامبر اکرم (ص)، همراه با اصحابشان در حال گذر از حرم بودند که مشاهده کردند آهویی در آن نزدیکی خوابیده است. آن حضرت یک نفر را مراقب او قرار دادند تا کسی آن حیوان را نترساند و آزارش ندهد (فریدونی، ۱۳۴۵: ۲۲۹).

این روایت به روشنی بیانگر پذیرش حق آرامش و آسایش برای حیوانات و به طریق اولی بیانگر پذیرش حق احترام برای ایشان است که هر دو دلالت بر برخورداری حیوانات از حق امنیت روانی و منع آزار روحی دارند، لذا با وحدت ملاک و در نظر گرفتن مستندات مشترک پذیرش حقوق گوناگون برای حیوانات، می‌توان گفت که برهم‌زدن خواب و استراحت تمامی حیوانات ممنوع است.

۲-۳- ممنوعیت تخریب سرپناه و مسکن

از جمله مصادیق نفقه حیوان که بر صاحبش واجب است تهیه سرپناه یا محل استراحتی نظیر لانه، طویله، اصطبل و ... برای وی می‌باشد. لانه و سرپناه حیوانات محل آسایش ایشان است و تخریب آن باعث آزار و اذیت روحی حیوانات می‌شود که این امر را می‌توان مصداق بارز آزار روحی و نقض حق امنیت روانی حیوان دانست. همچنین در برخی مواقع، در صورت حضور حیوان در هنگام ویرانی در سرپناه خود، ممکن است تخریب و ویرانی، آسیب جسمی حیوان و نقض حق امنیت جسمانی وی را نیز به‌دنبال داشته باشد.

در این رابطه مقررات فقهی حتی به ریزترین حیوانات در گونه‌ها و انواع مختلف نیز توجه کرده و از ایشان غافل نشده است، چنانکه شهید ثانی (ره) آورده‌اند: «از ادرار کردن در لانه‌های خزندگان و حشرات و نیز در آب جاری و یا راکد نهي شده است و این عمل مکروه می‌باشد، زیرا حیوانات کوچک و ریزی در آب‌ها زندگی می‌کنند که با ادرار کردن در آب اذیت می‌شوند.» همچنین

افراد موضوع پژوهش یعنی حیوانات، براساس مقررات شرعی و به طور مستند و مستدل.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن بابویه، ابوجعفر محمد (بی‌تا). *من لایحضره الفقیه*. جلد چهارم، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- ابن نعمان، محمد (۱۴۱۰). *المقنعه*. جلد اول، قم: نشر مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

- پورمحمدی، شیما (۱۳۸۴). «گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب، قسمت اول». *مجله علمی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۰(۳۹): ۱۳۶-۱۵۱.

- حر عاملی، محمد (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. جلد یازدهم، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت (ع).

- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: نشر مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (ع).

- حلی، حسن (۱۴۱۲). *منتهی‌المطلب فی تحقیق‌المذهب*. جلد دوم، مشهد: نشر مجمع البحوث‌الاسلامی‌آستان‌قدس‌رضوی.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی دهخدا*. جلد سیزدهم، تهران: نشر دانشگاه تهران.

- رضایی‌راد، عبدالحسین (۱۳۸۹). «گستره قاعده فقهی لاضرر». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۷(۲۵): ۶۳-۸۹.

مرحوم شیخ طوسی (ره) و مرحوم علامه حلی (ره) نیز قائل به کراهت این عمل هستند (فریدونی، ۱۳۴۵: ۲۲۹).

چنانکه از مستندات مذکور پیداست، ادرارکردن در آب نیز در حکم تخریب و آسیب‌زدن به مسکن حیوانات آبی به‌شمار می‌رود، لذا بنابر ممانعت از تخریب سرپناه و مسکن این حیوانات و نقض حق امنیت روانی و نیز نقض حق احترام چنین حیواناتی به طریق اولی، حکم به ممنوعیت این عمل شده است.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گذشت، می‌توان در وهله اول نتیجه گرفت که لزوم پایبندی به رعایت حق امنیت حیوانات، از دو منظر جسمانی و روانی، نه تنها امری مورد تردید و دارای ابهام نمی‌باشد، بلکه با عنایت بر منابع و مستندات موجود، می‌توان گفت که این الزام دارای پشتوانه و ادله و مستندات معتبر و معقولی در حوزه اسلامی، به ویژه فقه امامیه می‌باشد.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که مطابق آموزه‌ها و مقررات شرع مقدس اسلام و در پرتو روایات و آیات، حیوانات از حق امنیت جسمانی و روانی، حتی در کوچک‌ترین ابعاد و زوایای مربوط به حیات خود، در تعامل و تماس با نسل بشر، برخوردار می‌باشند و نه تنها به صورت کلی و گذرا در موازین اسلامی به این مسأله توجه نشده است، بلکه بررسی‌ها و مطالعه مطابق آنچه گذشت، نشان می‌دهد که برخورداری حیوانات از حق امنیت در دو بعد فیزیکی و روحی، به صورت دقیق و با جزئیات قابل اثبات است.

نتیجه حاصله دیگر از پژوهش پیش رو، عدم تبعیض در برخورداری از حق امنیت جسمانی و روانی، میان انواع و گونه‌های مختلف حیوانات، در مقررات شرع اسلام است. به عبارت دیگر مطابق بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله، در برخورداری حیوانات از حقوق مورد مطالعه، هیچ‌گونه تفاوتی در میان انواع و گونه‌های مختلف حیوانات نیست و تمامی ایشان با هر اوصاف و شرایطی از حق امنیت جسمانی و روانی برخوردار هستند، لذا از آنجا که ایمنی جسمی و روانی، از جمله حقوق جانداران به‌شمار می‌روند، می‌توان گفت که افزایش آگاهی و توسعه اطلاعات مرتبط با پژوهش، گامی است در جهت پیشگیری از نقض حقوق و نیز صدمات جسمی و روحی

- رفیعی طباطبایی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۷). *حقوق حیوانات در پرتو قوانین موضوعه و اسناد بین‌المللی*. تهران: نشر آذرفر.
- رفیعی طباطبایی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۸). «حق نفقه حیوانات در فقه اسلامی». *مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا*، ۱۴(۴): ۵۳-۶۲.
- روزنامه کرمان (۱۳۹۳). شماره ۲۱۴۰: ۸.
- طبرسی، حسن (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. جلد اول، قم: نشر شریف رضی.
- طوسی، محمد (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. جلد اول، تهران: نشر مکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*. جلد اول، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*. جلد دهم، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
- عبداللهی علی‌بیک، حمیده (۱۳۸۳). «قاعده اضطرار (الضرورات تبيح المحذورات)». *مجله مطالعات اسلامی*، ۳۶(۱): ۸۳-۱۲۲.
- علی‌آبادی، عبدالصمد و اسفندیاری، رضا (۱۳۹۴). «واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی». *مجله علمی پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، ۲(۳): ۹-۳۲.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عیاشی، محمد (۱۳۸۱). *تفسیر العیاشی*. جلد دوم، تهران: نشر مکتبه العلمیه الإسلامیه.
- فریدونی، حسین (۱۳۴۵). *بررسی حقوق حیوانات در اسلام و قوانین روز*. رساله دکتری دام‌پزشکی، تهران: دانشگاه تهران.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۹۷). *گفتار فلسفی اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی*. جلد دوم، بی‌جا: نشر معارف اسلامی.
- کلاتتری ارسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). «فقه شیعه و حقوق حیوانات». *مجله کاوشی نو در فقه*، ۹(۳۳): ۲۴۷-۲۸۶.
- کلینی، محمد (بی‌تا). *الکافی الأصول و الروضه*. جلد ششم، تهران: نشر مکتبه الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار*. جلد شصت و چهارم، بیروت: نشر دارالإحیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*. جلد سوم، قم: نشر دارالحديث.
- مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). «حقوق حیوانات در فقه اسلامی». *مجله علمی فقه اهل‌البیت*، ۱۲(۴۸): ۱۳۸-۱۹۵.
- ناجی جزایری، سیدهاشم (۱۳۷۹). *حمایت از حیوانات در اسلام*. جلد اول، قم: نشر دارالثقلین.
- نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. جلد سی‌وششم، بیروت: نشر دارالإحیاء التراث العربی.



The Rights of Physical and Psychological Security of Animals in Islamic Society from the Perspective of the Quran and Hadiths

Seyyed Hesamoddin Rafiee Tabatabaei*¹, Motahhare Sadat Rafiee Tabatabaei², Fatemeh Nargesi²

1. Ph.D, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Ph.D Student, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

3. M.A, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 39-52

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0339-1775

TELL: +989385313133

Email: rafiee.hesam@gmail.com

Article history:

Received: 14 Sep 2023

Revised: 23 Oct 2023

Accepted: 23 Nov 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

The Right to Security, Physical Security, Mental Security, Physical and Mental Abuse, Animal Rights, Hadith.

ABSTRACT

In the creation complex, there has always been the problem of violating the right to security by some employees. Today, the human race somehow dominates other creatures; And just as in many cases they violate the rights of their fellows, they do not adhere to the rights of other creatures that are in contact with them. Violation of the right to security can be considered one of the most common examples of violation of the rights of other creatures by humans. From the point of view of Quran and narrations, animals have different rights like humans. including the right to security; which can be seen as the supervisor of their physical integrity; And also overseeing their psychological aspect. And since dealing with any kind of damage to the physical and mental dimensions of living beings is one of the subtleties and accuracy of the religion of Islam, therefore, researching the right to physical and mental security and increasing awareness about it can be a kind of awareness act. He considered it to be complementary and even preventive among the fields of law, sociology and Quran and Hadith. Because such a research can prevent both social harm and non-observance of religious standards towards living beings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Rafiee Tabatabaei, SH; Rafiee Tabatabaei, M & Nargesi, F (2023). "The Rights of Physical and Psychological Security of Animals in Islamic Society from the Perspective of the Quran and Hadiths". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(4): 39-52.